

از آبان تا اردیبهشت هوای بندرعباس بهشتی است. پایان شب در ویلاهای ساحلی هتل هما هوس انگیز است. عطر گل‌های یاس و شکوفه‌های زودرس لیموهای باغ هتل سکرآور است. انعکاس نورافکن‌های کشتی‌هایی که در اطراف بندر منتظر نوبت پهلوگیری هستند بر پهنه‌ی دریا می‌افتد. چنان می‌نماید که راه‌هایی راست و مستقیم، پوشیده از شمش‌های طلای تاب، از هر سو به خشکی می‌رسد. گردشگر می‌پندارد اگر در این جاده‌های زرین گام بگذارد، و در جستجوی سرنوشت رهسپار یکی از این چشمه‌های نورانی شود، پایش تر نخواهد شد. چراغ‌های کوچک‌تر کرانه‌های قشم، و چند کیلومتر دورتر لارک، بر جذبه و درخشندگی منظره می‌افزاید. انعکاس چراغ‌های قشم و لارک بر دشت آبنوسی دریا شبکه‌ای چشمکزن و لرزان از راه‌های فرعی و مالرو می‌سازد که راه‌های طلائی را به یکدیگر متصل می‌کند. در افق جنوب شرقی گردنبندی از زیر جد جدود جزیره هرمز را مشخص می‌سازد.

بندر و جزیره هرمز تا همین سه چهار سده پیش چنان جلال و شکوه و ثروت و بیا و بروئی داشت که دویی و دوخه و کویت نوکیسه و تازه بدوران رسیده هرگز در رویا هم نخواهد دید. بندری در سواحل شبه قاره هند و هندوچین و مالزی و جاوه و سوماترا و آفریقای شرقی و دریای قرمز که کشتی‌های آن از هرمز نیامده باشد و یا عازم آنجا نباشد. ناوگان‌های چند صد فروندی چینی فاصله از چین تا هرمز را در دوازده هفته می‌پیموندند. کشتی‌های چینی چنان

کوه پیکر بودند که ارتفاع سکان پاره‌ای از آنها از طول کشتی نینا، که کریستف کلمب با آن اقیانوس اطلس را پشت سر گذاشت تا به ینگه دنیا برسد، بلندتر بود.^۱ کرانه‌های جنوبی خلیج فارس از مغرب بحرین گرفته تا مشرق مسقط تیول شاه هرمز نماینده پادشاه ایران بود. گردشگری که در پایان شب دریا را می‌نگرد نمی‌داند شکستن تاریکی شب موجب روشنایی مبهم آن سوی جزیره هرمز می‌شود یا انفجار نوری که قرار است آنسوی جزیره رخ دهد، و تا دقیقی دیگر پشت ظلمت شب را به خاک رساند، باعث پریده شدن رنگ شب می‌شود. نرخ کم‌رنگ شدن شبکه جذاب و زیبایی راههای اصلی و فرعی دشت آبنوس دریا به گونه‌ای فزاینده اوج می‌گیرد. اندک اندک هیكل سیاه جزیره - گنبد نمکی پوشیده از سنگهای آتشفشانی سر از آب در آورده - هویدا می‌شود. در هوای گرگ و میش، جزیره، چون اژدهائی می‌نماید. ستیغ مضرس سنگهای آتشفشانی ارتفاعاتی که طول جزیره را می‌پوشاند شکل اژدها و یا دایناسور را تداعی می‌کند. ناگهان از میان شکافهای ستیغ جزیره لکه‌ای آتشین پیدا می‌شود. چند لحظه بعد انحنای قرص آتشین خورشید جزئیات پستی و بلندی یال کوه جزیره را مشخص می‌سازد. سرعتی که با آن طبق طلای سرخ خورشید خودش را از پشت کوه بالا می‌کشد سرعت گردش زمین، گرد محور خویش، را برای گردشگر ملموس و محسوس می‌سازد. با شناور شدن گردونه خورشید در آسمان شبکه راههای اصلی و فرعی روی دریا ناپدید می‌شود. تنها شاهراه بزرگی که با زر سرخ و تالاب خشکی می‌رسد گردشگر را به خود می‌طلبد.

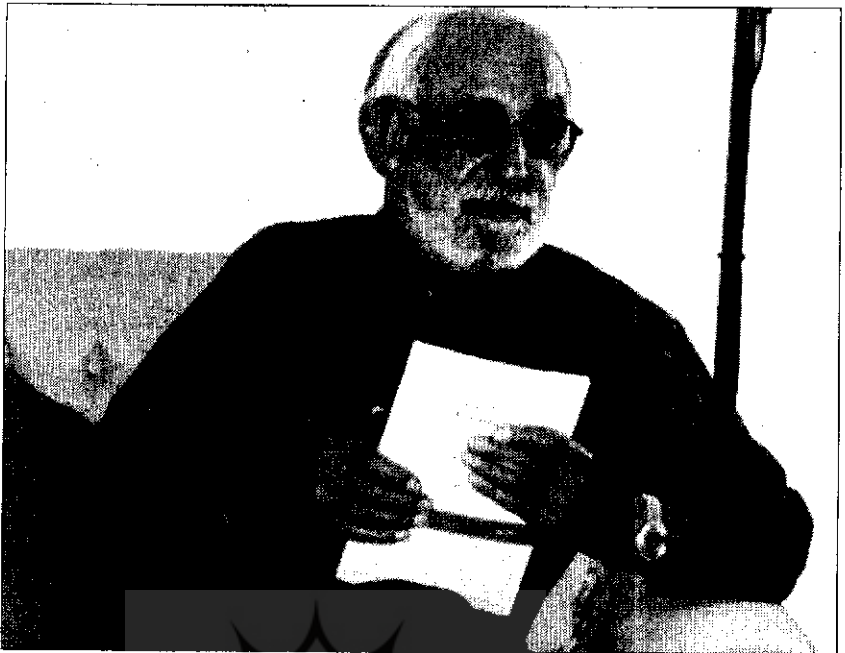
خرابه‌های استوارترین و قدرتمندترین دژ پرتقالیها، هنگام تسلط آنان بر دریای عمان و دریای عربستان و اقیانوس هند، در پوزه غربی جزیره واقع است. شهر زیبا و مجلل و ثروتمند هرمز در دماغه جنوبی قرار داشت. وصف این شهری، که اکنون از آن اثری باقی نمانده، بهتر است از قول گردشگری که، هنگام اوج شهرت جهانی و رونق هرمز، آنجا را دیده است بشنوید.

هنگام^۲ ورود از دریا [دریای عمان] به تنگه [تنگه هرمز] جزیره‌ای است نه چندان بزرگ که شهر هرمز در آنجاست. زیبایی شهر هرمز را نمی‌توان بیان کرد. ساختمان‌هایش رفیع و بلند

۱ - G. MENZIS, 1421 The Year China Discovered The World,... Bentham Books. London, 2003.

۲ - آنچه خواهد آمد بخش چهل و پنجم از سیاحتنامه دریانورد پرتغالی دوارته بارباروسا است. آنچه درباره‌ی هرمز نوشته بر مبنای مشاهدات شخصی است. (م).

The Book Of Duarte Barbosa, Asian, Education Services. New Delhi, 2002.



● همایون صنعتی (عکس از طوبی ساطعی)

است. با سنگ و ملاط بنا شده و پنجره‌های فراوان دارد. چون محلی بسیار گرم است بناها را چنان ساخته که هوا از بلندترین اشکوب‌ها - به هنگام نیاز - تا پائین‌ترین طبقه جریان پیدا می‌کند و در عمارت همیشه نسیم می‌وزد. شهر با درایت و پیش‌بینی طراحی شده است. خیابان‌ها و کوچه‌ها با نظم و ترتیب پیاده شده‌اند. میدان‌های وسیع شهر را دلگشا می‌سازد. بیرون شهر، در همین جزیره، تپه‌ای از نمک بلورین دیده می‌شود. قطعات نمک، چون صخره‌های بزرگ، در تپه‌های پراکنده‌اند. این نمک را نمک هندی می‌نامند. طبیعت در اینجا بوجود آورده. اگر آن را بسابند بی‌اندازه سفید و نرم می‌شود. چون داد و ستد آنچه در هر مز عرضه می‌شود سود فراوان دارد تمام کشتی‌ها برای تنظیم بار خود بدانجا می‌آیند و لنگر می‌اندازند. بازرگانان این جزیره و شهر آن ایرانیان و عرب‌هایند. ایرانیان به زبان عربی و زبان دیگری که آن را فارسی می‌خوانند سخن می‌رانند. ایرانیان خوشرو و بلند قامت‌اند. زنان و مردان آنان خوش اندامند. رفتاری استوار و دلپذیر دارند. پیرو دین محمدانند و به این افتخار می‌کنند. اهل خوشگذرانی‌اند. به موسیقی دل‌بستگی داشته انواع آلات موسیقی دارند. اعراب از ایرانیان تیره رنگ ترند و مانند آنان پاکیزه نیستند. بازرگانان معتبر شهر فراوانند که هر یک صاحب کشتی‌های متعدد و بزرگ‌اند. بندرگاه مناسب و خوبی دارد. کشتی‌ها از سرزمین گوناگون بدانجا می‌آیند تا با کالاهایی که از نقاط مختلف هندوستان آورده شده داد و ستد کنند.

هرمز نمایشگاه و فروشگاه ادویه دنیاست. از جمله: فلفل، میخک، زنجبیل، دارچین، فلفل، هل، نیلوفر، چوب صندل و عود، تمر هندی، زعفران، نیل، موم، آهن، شکر، برنج و نارگیل. افزون بر این بازار هرمز انباری است از سنگهای قیمتی، انواع ظرف چینی و کندرومتر جاوه‌ای. هر روز مقادیر هنگفت از این کالاها با سود فراوان داد و ستد می‌شود. انواع پارچه‌های بافت کمبایا، چائول و دابول و از بنگال پارچه «سینبافوس»^۱ که نوعی پارچه پنبه‌ای بسیار ظریف و نازک است - برای عمامه و دوختن پیراهن بکار می‌رود و بسیار گرانبهاست - می‌آورند. از شهر عدن به مقدار هنگفت مس، جیوه، شنجرف، گلاب، انواع زری و تافته و پارچه معمولی وارد می‌کنند. از سرزمین‌های زیر فرمان شاه اسمعیل ابریشم، مشک و ریواس فراوان روانه هرمز می‌شود. از جلفار مروارید ریز و درشت و از شهرهای عربستان تعداد زیادی اسب آورده می‌شود که به هندوستان صادر می‌شود. هر سال یک یا دو هزار اسب از هرمز به هندوستان می‌رود. اسب‌های خوب و بد رویهم سیصد یا چهارصد کروا دوس است.^۲

کشتی‌هایی که این اسب‌ها را به هندوستان می‌برد مقادیر هنگفتی خرما و نمک و گوگرد نیز حمل می‌کند، مرواریدهای نامرغوب مورد پسند مردم نرسینگو است.

مردم هرمز لباس‌های فاخر می‌پوشند. پیراهن پنبه‌ای سفید و نازک و بلند زیر آن شلوار پنبه‌ای بر تن دارند. در پوشیدن پیراهن ابریشم و دیگر جامه‌های گران قیمت با یکدیگر چشم و همچشمی دارند. در بستن شال به کمر خود اصرار دارند تا خنجرهای زرین و سیمین و مرصع خود را در آن جای دهند. سپرهای مدور با روپوش ابریشمی و کمان‌های ترکی با رنگ‌های زیبا و زه‌های ابریشمین به دست می‌گیرند که بُرد آن زیاد است. کمان‌ها صیقلی داده شده و از چوب و یا شاخ گاو میش‌اند. تیراندازان زیردستی‌اند. پیکان‌هایشان آبدیده و سرتیز‌اند. پاره‌ای نیزه‌های کوچک و گرزهای آهنین، با اشکال گوناگون، که روی آن‌کنده کاری شده با خود حمل می‌کنند. مردم هرمز ثروتمند و آداب‌دان و جوانمردند. به پوشاک و غذای خود نهایت توجه را دارند. به غذای خود ادویه بسیار می‌زنند. شهر هرمز مظهر فراوانی نعمت است. انواع گوشت‌ها و نان‌ها و برنج ممتاز و مرباهای جورواجور و همه‌گونه میوه تازه مانند سیب و انار و هلو و زردآلو و قیسی، انجیر، بادام، انگور، هندوانه، تربچه و تمام سبزیجاتی که در ایبریه (اسپانیا و پرتقال) هست در آنجا نیز یافت می‌شود. شراب را چون در شرع آنان حرام است پنهانی می‌نوشند. اندکی

۱ - Synbafos این واژه پرتغالی باید تحریف شده چینی باف که به آن شال باف نیز می‌گفتند باشد. شال باف را نباید با شانه باف که از پارچه‌های معروف بافته شده ایران آنروز است اشتباه کرد.

۲ - واحد پول پرتقال است.

مصطکی به آبی که می نوشند می زنند و آن را در جای خنک می گذارند. شیوه های گوناگون برای سرد کردن و سرد نگاه داشتن آب دارند. طبقه اشراف و بازرگانان عمده هر جا که می روند، در راهها و مکانهای عمومی و گذرها، غلام بچه ای همراه دارند که مشربه یا ظرف آبی از نقره حمل می کند تا از یک سو، هرگاه ارباب آنها نیاز پیدا کرد، رفع تشنگی کند و از سوی دیگر مقام ثروت خود را به نمایش بگذارد. خانمها از دست مردان هرمز دل پر خون دارند زیرا غلام بچه هایی نگاه می دارند که با آنان عشق بازی می کنند و همبستر می شوند. تمام این ثروتمندان در خشکی^۱ خانه های ییلاقی دارند که بیشتر ایام تابستان را در آنجا می گذرانند.

با آنکه شهر هرمز بی اندازه ثروتمند است و فراوانی نعمت آن مانند ندارد از گرانترین شهرهای دنیا است. زیرا همه چیز را باید از خارج بدانجا وارد کرد. از عربستان و ایران و دیگر نقاط، در خود جزیره هیچ چیز به دست نمی آید مگر نمک. حتی آب آشامیدنی از جزیره های همسایه در قایق های کوچکی که تراداس نام دارد بدانجا حمل می شود. میدان های شهر همیشه انباشته از آذوقه و هیزم (که آن را نیز وارد می کنند) است. با وجود فراوانی نعمت تمام خوراکی ها را با وزن و نرخ معین و طبق مقررات می فروشند. هر کس کم فروشی کند و یا از نرخ معلوم شده و دیگر مقررات تجاوز نماید به شدت مجازات می شود. گوشت را پخته می فروشند. آب پز و یا کباب می کنند. تمام خوراکی ها با نهایت سلیقه و پاکیزگی عرضه می شود. چه فراوانند کسانی که در خانه های خود آشپزی نمی کنند بلکه خوراک های بازار را می خورند.

در شهر هرمز سلطان همیشه در کاخ بزرگی زندگی می کند که مشرف به دریا است در حومه شهر. همانجا روزگار می گذرانند و خزینه هایش را نگاهداری می نماید. سلطان، حاکم و مأمور مالیات، به نقاط زیر فرمان خود در عربستان و جزیره های اطراف و سواحل ایران می فرستند. در خود شهر حاکم دیگری دارد که قوانین ناظر بر دیگر حاکم ها را اجرا می نماید. او بالاتر از دیگران است.

حاکم مزبور همیشه سلطان را در نزد خود، در کاخی که ذکر شد و در دژی واقع است، نگاه می دارد. سلطان نه در کار حکومت دخالت می کند و نه از امور حکومتی باخبر است. از هر حیث وسایل آسایش و برآوردن خواسته های او فراهم است. اما همیشه تحت مراقبت است. اگر بخواهد در امور حکومتی یا خزانه داری دخالت کند چشمانش را کور کرده و اگر زن و بچه داشته باشد در خانه ای زندانی می کنند. زندگی اندوهباری دارد. خوراک به اندازه رفع گرسنگی به او می دهند. سپس یکی دیگر از نوباوگان خاندان سلطنتی را به جای او می نشانند. مثلاً برادر یا

برادرزاده سلطان کور شده راه در همان دژ و کاخ سکونت می‌کند. تنها اسماً سلطان است تا آنکه بتوانند به سلطان‌نشین را در نهایت آرامش اداره کنند. اینگونه است که اگر یکی از اعضای خاندان سلطنتی به سن بلوغ رسید و بخواهد در امور کشوری دخالت کند او را نیز کور کرده و در همان خانه تحت نظر خواهد بود. در این خانه همیشه ده دوازده نفر از افراد کور شده خاندان سلطنتی اقامت دارند. در اینجا هر کس سلطان باشد همیشه در وحشت و هراس به سر می‌برد. نگران است مبادا همین بلا را به سر او بیاورند تا زمانی که سلطان است مردان مسلح پیاده و سوار از او مراقبت می‌نمایند. اینان دستمزد کافی دریافت می‌کنند. به هنگام لزوم از میان همین مردان مسلح کسانی را برای حکومت کردن بر نقاط مختلف بر می‌گزینند.

در هرمز سکه طلا و نقره ضرب می‌کنند. عیار سکه‌های طلای آنان بالا بوده و مدور بوده و به خط عربی برد و روی سکه نوشته‌هایی است. این سکه‌ها را اشرافی می‌خوانند که کم یا بیش سیصد ریس ارزش دادند. بیشتر آنها را به صورت نیمه ضرب می‌کنند که ارزش آنها ۱۵۰ ریس است. سکه‌ی نقره‌ی آنان طویل و مانند لوبیا است و اسم آن تنگه است. سکه طلا و نقره چنان در شهر فراوان است که کسری بازرگانی شهر با آن پرداخت می‌شود. از اطراف و اکناف دنیا کشتی‌ها انواع کالا به هرمز می‌آورند. بازرگانان پس از آنکه کالای خود را فروختند و اسب خریدند باقیمانده قیمت کالا را هر چه باشد سکه دریافت می‌کنند، این سکه‌ها را به هندوستان می‌برند که در آنجا طلب و خریدار فراوان دارد.

۱۰۸

نشر اشاره منتشر کرده است:

- نقد آثار غلامحسین ساعدی از نگاه نویسندگان/ علیرضا سیف‌الدینی / ۳۱۰ ص / ۲۰۰۰ تومان
 - داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران/ جمال میرصادقی / ۳۹۰ ص / ۲۹۵۰ تومان
 - شور ترانه/ مهران حبیبی نژاد/ ۱۹۹ ص / ۱۷۵۰ تومان
 - خاطرات ارستو چه گواری/ محمدعلی عمویی / ۲۹۵ ص / ۲۵۰۰ تومان
 - مردگان/ جیمز جویس/ مجید امین مؤید/ ۸۳ ص / ۸۵۰ تومان
 - چون و چرا/ علی اشرف درویشیان/ ۳۰۴ ص / ۲۲۵۰ تومان
 - پیر دختر/ اونوره دو بالزاک/ محمدجعفر پوینده/ ۲۹۳ ص / ۲۵۰۰ تومان
 - صدای تنها/ فرانک اوکانر/ شهلا فیلسوفی / ۲۶۱ ص / ۱۷۵۰ تومان
- نشر اشاره — تهران — خیابان انقلاب — خیابان ۱۶ آذر — خیابان پروفیسور ادوارد براون — پلاک ۲۲

تلفن: ۶۴۱۸۹۱۱